

فقه تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف با محوریت فقه امامیه

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۱/۱۶

ابوالقاسم علیدوست*

۷

چکیده

مسئله ممنوعیت تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف، اعم از هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی از مسائل جهانی و مطرح در دوران معاصر است. نوشتار حاضر نیز - به سهم خود - به این مسئله مهم از نظر شریعت اسلام با محوریت فقه امامیه پرداخته‌است. در این مقال، ابتدا به بیان نظر فقیهان مسلمان در این ارتباط و اسناد پشتیبان آن پرداخته، در ادامه، به توضیح نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - و ماهیت‌شناسی آن می‌پردازیم. گستره اندیشه حرمت را از جهت زمان و مکان، مورد کاوش قرار داده، به برخی پرسش‌ها در این زمینه پاسخ داده و سرانجام در پیوند با اقتضائات و لوازم فتوای رهبری، در مقایسه با تعهد جمهوری اسلامی در N.P.T مطالبی را بیان می‌نماییم.

واژگان کلیدی: فقه سلاح‌های غیرمتعارف، سلاح‌های کشتار جمعی، شریعت، فتوای

حکم حکومتی، N.P.T.

مقدمه

هدف از این مقاله، بیان شریعت اسلام با محوریت فقه امامیه، در پیوند با تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف (کشتار جمعی، اتمی و میکروبی) است که در قالب پاسخ به پرسش‌های اصلی و فرعی ذیل عینیت می‌یابد.

۱. نظر فقیهان مسلمان - به عنوان مبینان شریعت اسلام - در ارتباط با موضوع فوق چیست؟ و با توجه به این که تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف پدیده جدیدی است، آیا نظری از فقیهان غیرمعاصر در این باره در اختیار است؟ به طور کلی اندیشه فقیهان را در این مسئله تا چه زمان می‌توان رساند؟ (پیشینه‌شناسی حکم فقهی مسئله).

۲. آسناد پشتیبان نظری که رهبر انقلاب اسلامی ایران - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مبنی بر حرمت و منع تولید و کاربرد این سلاح‌ها دارد، چیست؟ و آیا نظر مزبور با توجه به همه آسناد دینی صادر شده است یا در میان ادله شرعی، می‌توان آسنادی بر خلاف این نظر یافت؟ سازش این نظر با نهادی مثل «وجوب جهاد» در اسلام چگونه است؟

۳. ماهیت اندیشه مذکور آیا فتوا است یا حکم حکومتی و یا بیانی است از ایشان، خارج از گستره شریعت که صدور آن از مصلحت‌اندیشی یا نهاد تقیه بوده است؟

۴. گستره اندیشه حرمت تولید و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف، سرزمینی (مخصوص سرزمین مسلمانان و دارالاسلام) و موقت است یا جهانی (بدون اختصاص به دارالاسلام) و جاودان است؟

۵. اقتضات و لوازم این نظر چیست؟ پایبندی جمهوری اسلامی ایران به این نظر با تعهد این کشور، به معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی N.P.T، چه اشتراکات و اختلافاتی دارد؟ و کدام یک از قوت بیشتری برخوردار است؟
قبل از ورود به پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، بیان دو مقدمه ضروری است.

مفهوم‌شناسی سلاح‌های غیرمتعارف (اسلحة-الدمار الشامل) = (Weapons of mass destruction (W.M.D))

منظور از سلاح‌های غیرمتعارف و کشتار جمعی - که در این مقاله مطمح نظر است - جنگ افزاری است که کاربست آن، شمار بسیار زیادی از انسان‌ها را - بدون تفکیک و مهارناشده - از بین می‌برد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد می‌سازد. به تعبیر دیگر منظور از سلاح‌های غیرمتعارف همان است که در ضمیمه شماره ۲ پروتکل سوم توافقات پاریس در سال ۱۹۵۴ نیز آمده و شامل سلاح‌های هسته‌ای شیمیایی و بیولوژیک است که با علامت اختصاتی A.B.C از آنها یاد می‌شود. البته سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک هر چند آثارشان محدود به افراد انسانی و سایر جانداران است و تأثیری بر سیستم‌ها و امکانات فیزیکی ندارند، اما چون قادر است سطح وسیعی از انسان‌ها را در بر گرفته و از بین ببرد، از مصادیق سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شود.

توجه به تعریف فوق، روشن می‌سازد که تعبیر «سلاح‌های کشتار جمعی» یا «غیرمتعارف»، که در ادبیات امروز فارسی‌زبانان در مورد سلاح‌های مورد نظر بسامد پیدا کرده است، تعبیر گویایی نیست. به نظر می‌رسد تعبیر کنونی لغت عرب از این سلاح‌ها با عنوان «اسلحة الدمار الشامل» (به معنای سلاح‌های هلاک‌کننده و از بین برنده فراگیر) گویاتر است. شاید تأمل برخی از افراد نسبت به حرمت تولید، انباشت و کاربست این سلاح‌ها، ناشی از ناگویایی این کاربست در زبان فارسی بوده است و آلا با توجه دقیق به آنچه از این واژه اراده می‌شود، تأملی در حرمت آن نداشتند. به هر روی، نظر نهایی با مبانی و اسناد آن، در ادامه مقاله، به منصفه ظهور می‌رسد.

۱. پاسخ پرسش اول (پیشینه‌شناسی حکم فقهی مسئله)

بر آشنایان به دانش فقه، پوشیده نیست که پاسخ فقهی به یک موضوع و بیان نظر فقیهان در مورد آن، متوقف بر نوپدید نبودن و حضور آن مسئله، در متون فقهی نیست؛ چرا که از یک سو، متون فقهی پر است از قواعد و ضوابط عامی که بر مسائل و موضوعات

نوپیدا به راحتی قابل انطباق است. از سوی دیگر گاه موضوعی با حکمی معین در متون کهن فقهی مطرح شده است که حکم آن، به طور یقین و از طریق قیاس اولویت بر موضوع نوپیدا و جدید، نیز قابل انطباق است و فقیه مستنبط می‌تواند حکم موضوع جدید را از طریق مقایسه آن با موضوع مورد اشاره در کلمات فقیهان گذشته، به دست آورد. پدیده «سلاح‌های غیرمعارف و کشتار جمعی» نیز از این قبیل است؛ با این توضیح که هرچند موضوع «سلاح‌های غیرمعارف»، در زمان‌های گذشته مطرح نبوده است و فقیهان اسلام از حکم آن گفتگو نکرده‌اند، لکن فقیهان مسلمان از لزوم مراعات اصل تفکیک، حفظ محیط زیست و احترام به سلامت کسانی که در جنگ نقشی ندارند، بسیار سخن گفته‌اند. حال اگر فرض را بر این بگذاریم که سلاح‌های کشتار جمعی، بدون تفکیک عمل می‌کند، زمین و محیط زیست را به نابودی می‌کشاند و بی‌گناه و مجرم را به یک چوب می‌راند، به راحتی می‌توان حکم این پدیده جدید را از همان متون کهن به دست آورد و حاصل تحقیق را به حساب ایشان گذاشت.

افزون بر این، در تراث فقهی گذشتگان - چنان‌که اشاره خواهد شد - مسلمانان از کاربست سم در جنگ و مسموم کردن آب دشمن نهی شده‌اند؛ چرا که سم بدون تفکیک عمل می‌کند و آثار مخربی بر محیط زیست و حیوانات می‌گذارد. واضح است که با وجود چنین نهی صریحی، می‌توان کاربست سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای را نیز ممنوع دانست و این منع را به عنوان نظر فقیهان گذشته، به حساب آورد. با توضیحی که صورت گرفت، پیشینه اندیشه فقیهان در مسئله مورد گفتگو، قدمتی به تاریخ نگارش فقه دارد و از زمانی که متون فقهی شروع به رویدن کرد، کتاب جهاد و گفتگو از حکم استفاده از انواع سلاح‌های آن زمان، بخشی از آن متون شد. با این همه ما از کتاب «النهاية» شیخ طوسی، از نامی‌ترین فقیهان قرن پنجم شروع می‌کنیم که در آن آمده است: «يَجُوزُ قِتَالُ الْكُفَّارِ بِسَائِرِ أَنْوَاعِ الْقَتْلِ أَلَّا السَّمَّ؛ فَإِنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يَلْقَى فِي بِلَادِهِمُ السَّمَّ. جَايزٌ اسْتِجْزَاءُ الْجُنْدِ بِالْمَسَامِخِ بِالسَّمِّ فِي مِيزَانِ الْحَرْبِ». (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۹۳).

این نظر، بعد از ایشان، در حد گسترده، مقبول فقیهان واقع شده است. برای نمونه می‌توان به کتاب السرائر از ابن‌دریس (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۰)، غنية النزوع از ابن‌زهره

(ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۲۰۱)، *المختصر النافع* از علامه *حلی* (حلی، [بی‌تا]، ص ۱۱۲)، *الدروس الشرعية* از شهید اول (مکی عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۲)، *جامع المقاصد* از محقق ثانی (کرکی (محقق ثانی)، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۳۸۵) نام برد. کلام بسیاری از ایشان ممنوعیت این کاربست است، هرچند پیروزی متوقف بر آن باشد. گرچه در سخن برخی از ایشان، القای سم در صورتی که هیچ راه فراری از مخمصه جز از این راه نباشد (اضطرار) و مصالح این کار بیش از مفسد آن تلقی گردد، جایز شمرده است که این وضعیت، هرگز بر کاربست سلاح‌های کشتار جمعی متصور نیست.

کراهت یا حرمت قطع درختان و افکندن آتش و مسلط ساختن آب بر سازه‌های دشمن، حرمت قتل زنان، بچگان، دیوانگان، عدم جواز مثله کردن دشمن و حرمت خیانت و دزدی از اموال ایشان و کراهت حمله شبانه به کافران،* بخشی اندک از موارد موجود در متون گذشتگان است که برای دلالت بر حکم مسئله مورد گفتگو، قابل استشهاد است و در پیشینه‌شناسی حکم، به کار می‌آید. واضح است که این فتوا برگرفته از روایاتی است که در متون حدیثی مرتبط ذکر شده است (برای نمونه ر.ک: حرّعاملی، ج ۱۵، ۱۴۱۴، ابواب جهاد العدو، باب ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ص ۵۸-۷۰).

از معاصران نیز، فقیه ایستاده بر قله فقاہت مرحوم آیت‌الله خویی و عموم شاگردان مدرسه ایشان به بیان محدودیت‌هایی در اداره جنگ پرداخته‌اند (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۳)** که بسیاری از آنها در کاربست سلاح‌های کشتار جمعی قابل انطباق است. از مراجع معاصر نیز فقیهانی که راجع به مسئله اظهار نظر کرده‌اند چون آیات عظام مکارم شیرازی (در پیامهای ارائه شده به همایش فقه هسته‌ای، برگزار شده در تهران و قم ۹۲/۱۱/۳۰ و ۱۳۹۲/۱۲/۱) *جوادی آملی* (در پیامهای ارائه شده به همایش فقه هسته‌ای، برگزار شده در تهران و قم ۹۲/۱۱/۳۰ و ۱۳۹۲/۱۲/۱) و *جعفر سبحانی* (در پیامهای ارائه شده به همایش فقه هسته‌ای، برگزار شده در تهران و قم ۹۲/۱۱/۳۰ و

* این عناوین در عموم منابع فقهی از جمله جلد ۲۱ کتاب *جواهر الکلام* مرحوم نجفی [کتاب الجهاد] آمده است.

** برای اطلاع بیشتر در این خصوص به تعلیقات بر *منهاج الصالحین*، از مراجع و شاگردان ایشان مراجعه شود.

۱۳۹۲/۱۲/۱) همگی بر منع تولید و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی تصریح کرده‌اند. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز در این باره، بارها نظر فقهی خود را بیان کرده و فرموده است:

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ما کاربرد این سلاح را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن انبای بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم (<http://farsi.khamenei.ir/index.html>). پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه ۱۳۸۹/۰۱/۲۷). ما اعتقاد به بمب اتم و سلاح اتمی نداریم، دنبالش هم نخواهیم رفت. بر طبق مبانی اعتقادی و دینی ما به کاربرد این گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است، این ضایع کردن نسل و حرث است که قرآن آن را ممنوع کرده است (همان، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳۰).

ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با این جور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است ... (همان، بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴). ما خواستار بمب اتم نیستیم و حتی با داشتن سلاح‌های شیمیایی هم مخالفیم ... (همان، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۲/۰۱/۰۱). معاهده بین‌المللی N.P.T هم وجود دارد که همه قبول کرده‌اند ما هم قبول داریم (همان، بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱). جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده که از لحاظ شرعی و مبنایی با ساخت و کاربرد سلاح هسته‌ای مخالف است (همان، بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

۲. پاسخ پرسش دوم (بررسی اسناد)

آشنایان به فقه امامیه می‌دانند که فقیهان شیعه در اصدار فتوا و حکم، به قرآن، سنت معصوم^ﷺ، اتفاق فقیهان و عقل تمسک می‌کنند و تا حکمی مطابق یکی از اسناد نباشد، از اعتبار برخوردار نیست. به نظر می‌رسد در مسئله مورد بحث یعنی تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف، همه این اسناد، دلالت بر منع و حرمت دارند.

۲-۱. اسناد نقلی و عقلی حرمت

۲-۱-۱. قرآن

از قرآن می‌توان به آیاتی تمسک کرد که از افساد و ظلم در زمین و از تجاوز به غیرظالم و عبور از مرز عدالت به طور مطلق (در حال جنگ و غیر آن)، منع می‌کند (ر.ک: بقره: ۱۱، ۱۲، ۱۶۰، ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۲۴ / آل عمران: ۸۹ / نساء: ۱۲۹ / انفال: ۱ / شعرا: ۱۵۲ / اعراف: ۵۶ / یونس: ۱۴۲ و ۸۱ / نمل: ۲۷ / قصص: ۴۸ و ۷۷ / رعد: ۸۳ و ۲۵ / ص: ۲۸ و...). آیه ۱۹۰ از سوره بقره صریحاً می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». مطابق این آیه، هر چند جهاد با کسانی که ضد مسلمانان مشغول کارزار هستند مشروع است، اما مسلمانان از تجاوز و تعدی - هر چند به بهانه جهاد - نهی شده‌اند و صریحاً مطرح شده که خداوند تجاوزکاران را - هر کس که با شد ضد هر گروه که باشد و به هر بهانه که صورت گیرد - دوست ندارد. در آیه گران‌مایه دیگری می‌فرماید:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبُرِّ وَالْتَفَتُوا وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ: خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام باز داشتند نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از خداوند پروا کنید که مجازات خداوند شدید است (مائده: ۲).

نباید غافل شد که توصیه خداوند به عدالت، پرهیز از هرگونه تجاوز و همکاری بر اثم و عدوان، خطاب به مسلمانان در این آیه راجع به کافران و مشرکانی است که در حدیبیه مسلمانان را از حق مسلم خویش که حق ورود به مکه و زیارت خانه خدا بود بازداشته بودند. حال آیا می‌توان تصور کرد که این آیین پاک، دست مسلمانان را برای تولید و کاربست سلاح‌هایی که - مطابق توضیحات گذشته - فساد و ستم، لازم گسست‌ناپذیر بهره بردن از آنها است، باز گذارد؟ قطعاً جواب این پرسش منفی است!

مطابق نص صریح در آیه ۲۰۵ از سوره بقره، سعی برای فساد در زمین و به نابودی کشاندن زراعت‌ها و چارپایان مورد نهی شدید، قرار گرفته است. «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ: هنگامی که روی بر می‌گردانند

و از نزد تو خارج می‌شوند در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چارپایان را نابود می‌سازند [با اینکه] خدا فساد را دوست ندارد». قرآن کریم در سوره مائده آیه ۸ نیز به عنوان دستوری فرازمان و فرامکان (جاودان و جهانی) از هر نوع ستم، مسلمانان را نهی و آنها را با دستوری الزامی به اقامه قسط و عدل دعوت می‌نماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید!
همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است. از خدا پروا داشته باشید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است.

هرگز نباید تصور کرد که مدلول این آیات، تنها نهی از کاربرد این سلاح‌ها است و تولید و انباشت آن‌ها، از گستره دلالت آیات مورد اشاره خارج است؛ زیرا هرگاه کار بست این سلاح‌ها ممنوع باشد تولید و انباشت آنها با توجه به التزام به عدم استفاده از آن‌ها، هیچ بازدارندگی و نفعی ندارد، قهراً مصداق روشن هدر دادن سرمایه مسلمانان است که خود مصداقی روشن از فساد است. سرمایه‌ای که باید در مسیر آبادانی زمین و تکامل انسان‌ها به کار رود، هرگاه در مسیر دیگری مصرف شود، مصداق «تبذیر» است که مورد نهی شدید قرآن در سوره اسراء آیه ۲۶ و ۲۷ است که می‌فرماید:

وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا: حق خویشاوند، مستمند و مانده در راه را بپرداز و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیر کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان در برابر پروردگارش ناسپاس بود.

ضمناً کشوری که به تولید و انباشت این سلاح‌ها دست می‌زند، همیشه ممکن است، فرد یا جریان سفیهی آن را در اختیار گیرد و از آن بهره برد و هیچ تضمینی بر عدم استفاده برای همیشه وجود ندارد. بنابراین، به اقتضای آیات مورد اشاره و غیر آنها تولید و انباشت این سلاح‌ها هم ممنوع است.

۲-۱-۲. روایات

در روایات نقل شده از معصومان علیهم‌السلام نیز به اسنادی بر می‌خوریم که بر مدعای فوق یعنی

حرمت تولید و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف، دلالت آشکار دارد. برای نمونه در روایتی معتبر از پیامبر خاتم نقل شده است که حضرت از ریختن سم در سرزمین کافران نهی فرمود (نهی رسول الله ﷺ أن یلقى السمّ فی بلادِ المشرکین) (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۶۲، حدیث ۱).

امام ششم شیعیان نیز در پاسخ به پرسشی راجع به فروش سلاح به دو گروه باطل که در حال جنگ با یکدیگر هستند، فرمود: به هر دو گروه سلاح دفاعی چون زره، کفش [جنگی] و امثال آن بفروش و از فروش سلاح تهاجمی پرهیز کن. متن حدیث این است: «سألتُ ابا عبد الله ﷺ عنِ الفَتَّینِ تَلْتَقیانِ مِنْ أَهلِ الباطِلِ أبيعُهُما السِّلَاحَ؟ فقال: بَعُهُما ما یکنُهُما الدِّرْعُ وَ الخُفَّینِ وَ نَحْوَ هذا» (همان، ج ۱۷، باب ۸، ص ۱۰۲، حدیث ۳).
در روایات متعدد و معتبر دیگری نیز این مضمون، مورد تأکید امامان شیعه واقع شده است (همان، حدیث ۴).

گفتنی است محور گفتگو و تحریم در این روایات، سلاح‌های ساده زمان‌های گذشته است که به شمشیر و تیر و کمان خلاصه می‌شد و از سلاح‌های بنیان‌برانداز امروز، هیچ خبری نبود. با این همه، امامان معصوم اجازه تولید و فروش آن را به هیچ‌وجه نداده‌اند.

۲-۲. عقل

اقتضای درک عقل، در مسئله نیز معلوم است، با این توضیح که عقل - همسو با مفاد نصوص شرعی - هرگونه ظلم، بی‌عدالتی و فساد را تقبیح می‌کند.

۲-۳. اتفاق فقیهان

اتفاق فقیهان امامیه بر منع تولید و کاربرد سلاح‌های مزبور را نیز در مباحث پیشین، مورد اشاره قرار دادیم.

۲-۴. مقاصد شریعت

در این پیوند، نباید مقاصد خداوند را در بعث رسل و انزال کتب آسمانی و تشریح

مقررات نادیده گرفت. مطابق ده‌ها آیه از قرآن، مقصد خداوند در انجام این سه پدیده، اصلاح حال بندگان در ارتباط با خداوند و در پیوند با یکدیگر است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۱۲۹، ۱۵۱ و ۲۱۳ / آل عمران: ۱۶۴ / اعراف: ۱۵۷ / انفال: ۲۴ / حدید: ۹ و ۲۵ / جمعه: ۲) و اصلاح هرگز با افساد و خلق و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی تأمین نمی‌شود.

نبود نص‌هادی به جواز و پاسخ به برخی گمانه‌زنی‌های غیرمنضبط در این پیوند:

با توضیحی که داده شد، در میان نصوص معتبر دینی، هرگز نمی‌توان نصی پیدا کرد که هادی به جواز تولید، انباشت، خرید و فروش و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی باشد و اگر دلیلی یا نهادی پیدا شود که برای برخی، این توهم را ایجاد کند، یا از سند معتبر برخوردار نیست و یا قابل توجیه و سازگاری با نصوص دال بر منع و حرمت امور مورد اشاره است. برای مثال، گاه از برخی فقها نقل شده «كُلُّ مَا يَرْجَى بِهِ الْفَتْحِ يَجُوزُ»: هر عملی یا ابزاری که با آن انتظار پیروزی بر دشمن رود، جایز است. همچنین در قرآن وارد شده: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»: هر نیرویی دارید برای مقابله با دشمنان آماده سازید. همچنین اسب‌های ورزیده [برای نبرد] تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید (انفال: ۶۰).

در روایتی از امام صادق ع چنین می‌خوانیم:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِ الْحَرْبِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُرْسَلَ عَلَيْهَا الْمَاءُ أَوْ تُحْرَقَ بِالنَّارِ أَوْ تُرْمَى بِالْمَنْجَنِيْقِ حَتَّى يُقْتَلُوا وَ مِنْهُمْ النِّسَاءُ وَ الصِّبْيَانُ وَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْأَسْرَاءُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ التِّجَارَةُ؟ فَقَالَ: يُفْعَلُ ذَلِكَ بِهِمْ: از امام صادق ع از شهری از شهرهای در حال جنگ پرسیدم که آیا می‌توان بر این شهر سیلابی فرستاد یا شهر را سوزاند یا از منجنیق استفاده کرد تا اهل آن شهر کشته شوند با این که در میان ایشان زنان، کودکان، پیرمردان، اسیرانی از مسلمانان و تاجرانی که به تجارت مشغولند، در میان ایشان است؟ امام ع فرمود: این کار اشکال ندارد (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ابواب جهاد العدو، باب ۱۶، ص ۶۲، حدیث ۲).

باید توجه کرد که هیچ‌یک از این وجوه نمی‌تواند آنچه را بیان کردیم نقض و جواز تولید و کاربست سلاح‌های کشتار جمعی را ثابت نماید. با این توضیح که:

الف) جمله «كل ما يرجى به الفتح يجوز» هیچ سند قرآنی، روایی و عقلی ندارد و اگر

فقیهی آن را در متن فقهی خویش به کار برده باشد، ضمن اینکه نظر شخصی او است و بالطبع به دلیل مخالفتش با اسنادی که گذشت، قابل نقد و ردّ است، می تواند - بلکه باید - ناظر به اسباب مباح باشد و آلا با اسباب حرام نباید به پیروزی رسید. در ادامه این پاسخ را بیشتر توضیح خواهیم داد.

ب) در ارتباط با آیه مورد اشاره (وَأَعِدُوا لَهُمْ...) هم باید گفت: اولاً در اصول فقه مقرر گردیده که هرگاه خداوند به انجام کاری فرمان دهد و انجام این کار، متوقف بر استفاده از آلات و ابزاری باشد، لازم است از مقدمات و ابزار حلال، بهره برد نه حرام، هرچند دلیلی که به انجام آن کار فرمان می دهد، مطلق باشد. به تعبیر فنی دیگر: «متعلق واجب نسبت به شمول حصه حرام ضیق ذاتی دارد». برای مثال وقتی قانونگذار از مکلفان، انجام حج بیت الله را می خواهد، یا دادن نفقه به همسر و فرزندان را واجب می کند، معنایش این نیست که باید به حج رفت، هرچند با مال غصبی باشد یا مخارج همسر و فرزندان را داد، هرچند با مال دزدیده شده باشد؛ بلکه باید با مال و اسباب حلال، به این دو واجب، جامه عمل پوشانید. در ارتباط با مسئله مورد گفتگو نیز همین هنجار حاکم است، پس وقتی خداوند فرمان آمادگی به مسلمانان علیه کافران ستیزه جو را می دهد، واضح است که باید این آمادگی با فرآیندی مشروع و مجاز صورت پذیرد، حال اگر این آمادگی با زمینه های حرام از جمله با تولید و انباشت سلاح های کشتار جمعی صورت پذیرد، این آمادگی از گستره این آیه خارج است.

ثانیاً، فارغ از پاسخ اول باید گفت: جمله آغازین آیه، هرچند فرمان به آمادگی مسلمانان می دهد، اما ادامه آیه هدف از این آمادگی را ترساندن دشمنان خدا و مسلمانان بیان می کند (ترهبون به عدو الله و عدوکم) و پرواضح است که در تولید و انباشت سلاح های کشتار جمعی، قبل از این که دشمنان خدا و مسلمانان بترسند، میلیون ها انسان بی گناه می ترسند که هیچ دشمنی با خدا و مسلمانان ندارند؛ بلکه گناه، خود از مسلمانان هستند.

ثالثاً، حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و اجازه کشتن بی گناهان را می داد، فاقد سند معتبر است و صلاحیت برای استناد ندارد، حتی اگر نصّی معارض هم نداشته باشد، در اینجا که نصوصی متعدد و معتبر، هم معارض آن است. سند روایت

مورد نظر این است: «محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم قمی از پدرش (ابراهیم بن هاشم) از قاسم بن محمد اصفهانی از سلیمان بن داوود منقری از حفص بن غیاث نخعی»، در این سند قاسم بن محمد فردی ناشناخته و مجهول است، سلیمان بن داوود منقری و حفص بن غیاث از غیر شیعه و از سوی برخی رجال یون شیعه تضعیف شده‌اند.* واضح است که بودن قاسم بن محمد، در سند روایت - به تنهایی - کافی است که سند روایت را از اعتبار بیندازد.

بی تردید حدیث مزبور قابل توجیه - به گونه‌ای که با اسناد مانع، سازگار شود - از جهت دلالت نیز است، اما با وجود ضعف سند، نیاز به این توجیه نیست.

مناسبات تحریم تولید و کاربست سلاح‌های غیر متعارف و نهاد جهاد در اسلام:

توضیحات فوق روشن ساخت که جهاد در اسلام نیز می‌جوژ کاربرد هر نوع سلاح و توسل به هر وسیله نیست. در قرآن صریحاً هدف از جهاد (در فرضی که مشروع باشد) رفع فتنه و حاکمیت ارزش‌ها و شریعت الهی بیان گردیده است و صریحاً فرمان داده شده که اگر ظالمان دست از فتنه برداشتنند، کاری به آنها نداشته باشند «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۹۳).

همسو با مضمون این آیه، آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد (انفال: ۳۹ / بقره: ۱۹۰ / حجرات: ۹). و پوشیده نیست که حاکمیت ارزش‌های الهی - که بخش عمده‌ای از آن ایجاد عدالت، رفع فتنه و ظلم و احترام به حقوق هستی (فراتر از حقوق بشر و حقوق حیوانات و جانداران) است - با کاربست سلاح‌های کشتار جمعی به دست نمی‌آید.

اگر در مقطعی از تاریخ، فردی بر خلاف این مدعا اندیشیده یا فرماندهی از مسلمانان خلاف این را عمل کرده است، این ناصحیح اندیشه و نامبارک عمل، به خود وی مربوط بوده و ارتباطی با شریعت مطهر اسلام ندارد.

* ابن داود و غضابیری در رجال خود، منقری را تضعیف کرده‌اند و در رجال علامه حلی و فهرست شیخ طوسی فقط نامی از وی برده شده است. همچنین طوسی در رجال و فهرست خویش و کشی و علامه حلی در رجالشان حفص بن غیاث را تضعیف کرده‌اند (ر.ک: تقی زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰، رقم ۲۴۵۴ / همان، ص ۱۹۱، رقم ۳۲۹۱).

۳. پاسخ به پرسش سوم (ماهیت‌شناسی نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با تولید و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف و جهت صدور آن)

آشنایان به فقه می‌دانند که هر نظری که از یک فقیه - از این جهت که فقیه است - صادر می‌شود، هرگاه مستند به اسناد ابدی شرعی باشد و به عنوان بیان حکم کلی الاهی صادر شود و فقیه صرفاً از اقتضای دلیل شرعی خبر دهد، آنچه از او صادر شده است «فتوا» است. فتوا همیشه تابع اسنادی از قرآن، حدیث، عقل و اجماع است و از هیچ مصلحت موقت تبعیت نمی‌کند. فتوا ابدی است و تا زمانی که صاحب فتوا به اشتباه خود پی نبرد، تغییر ناپذیر است؛ چرا که اسناد هادی به آن، تغییر ناپذیر است.

چنانچه، نظر فقیه مستند به مصلحتی موقت در یک قضیه معین و جزئی باشد و فقیه، در آن قضیه از ولایت خود استفاده کند و به انشای حکم پردازد (نه این که نقش خبر دهنده از حکم کلی الاهی داشته باشد)، آنچه از او صادر شده، «حکم حکومتی»^{*} است. حکم حکومتی دقیقاً شبیه حکم قضایی است با این تفاوت که در حکم قضایی، صدور حکم برای فصل خصومت و رفع نزاع است و در حکم حکومتی، اغراض دیگری دنبال می‌شود.^{**}

با توضیحی که ارائه شد معلوم گردید آنچه از سوی رهبر انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با موضوع مورد بحث صادر شده، همچون نظری که از فقیهان گذشته به منصه ظهور رسیده است، بیان یک فتوا است، حکم ابدی الاهی است و تابع هیچ مصلحت موقت و متغیری نیست. و حکم حکومتی دانستن این اندیشه، یا نظری اجرایی خارج از گستره شریعت دانستن آن، انگاره صحیحی نیست و ناشی از عدم آگاهی به ماهیت اصطلاحی این نهادها در دانش فقه و آمیختن ناصحیح حکم حکومتی با فتوای اجتماعی است (ر.ک: همان، ص ۶۷۵-۶۷۶).

* تعبیر معاصر در فارسی از این پدیده «حکم حکومتی» است.

** سوگمندان باید گفت: در عموم تحقیقات و پژوهش‌های معاصر در ایران، تفسیر صحیحی از حکم حکومتی ارائه نشده و این نهاد با فتوای اجتماعی به هم آمیخته است (ر.ک: علیدوست، ۱۳۸۸، ص ۶۶۴-۶۹۲).

شاید این تصور پیش‌آید که در فتوا، لزوم تبعیت، تنها بر صاحب فتوا و مقلدین وی است و در حکم حکومتی همه مکلفان - حتی مجتهدان دیگر و مقلدان ایشان نیز - باید تابع حکم حاکم باشند، بنابراین اگر نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران را فتوا بدانیم بر مجتهدان دیگر و مقلدان آن‌ها، پیروی از این نظر لازم نیست.

در پاسخ این تصور باید گفت: اولاً مسئله تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های کشتار جمعی، مسئله‌ای فردی و خصوصی و در اختیار بخش خصوصی نیست که مجوز اقدام به این کار را داشته باشد یا نه، این مسئله به حاکمیت و نظام مربوط است. پرواضح است که حاکمیت و نظام در مسائل مربوط به خود باید از فتوا و حکم حکومتی رهبری متابعت کنند. بنابراین، فتوا انگاشتن یا حکم حکومتی انگاشتن این نظر، تأثیری در اجرا ندارد، جز این که فتوا بودن آن به دلیل غیرقابل برگشت بودن (جزء در فرض تغییر موضوع و مصداق)، آن را حکمی الهی و ابدی می‌سازد.

ثانیاً، آنچه معروف است که فتاویٰ فقیه در حق خود و مقلدانش حجت است و نه بیشتر، در فتاویٰی که متعلق آنها مسائل شخصی و مربوط به احوال شخصیه است، قابل قبول است لکن در فتاویٰی که متعلق آنها مسائل کلی اجتماعی و سیاسی است و کشور در مورد آنها نیاز به وحدت رویه و انسجام دارد، قابل قبول نیست.* افزون بر این همه می‌توان گفت: تنها فتوای ولی فقیه - با فرضی که فرمانده کل قوا و تعیین کننده سیاست‌های کلی نظام است - قابلیت اجرا پیدا می‌کند.

بی‌تردید، مسئله مورد گفتگو از کلان مسائل سیاسی و اجتماعی است که تاب اختلاف فتاوا را در اجرا ندارد.

صدور نظریه منع و تقیّه انگاری آن:

از شبهاتی که پیرامون نظر رهبر انقلاب اسلامی ایران در مسئله تولید سلاح‌های کشتار جمعی و اظهارات مسئولان جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی رسانه‌ها و شخصیت‌ها مطرح می‌شود، تقیّه انگاری آن است، نتیجه این انگاره این خواهد بود که صاحبان این نظر، در اظهار نظر خود، صادق نیستند و آنچه بیان کرده‌اند، صرفاً ناشی از

* گفتگو از این مسئله مجالی واسع در فقه سیاسی می‌طلبد که فقیهان معاصر و آینده باید به آن بپردازند.

یک مصلحت در اظهار است و در اثبات مدّعی خویش به وجود نهاد تقیّه در فقه شیعه تمسّک می‌کنند.

در ردّ بر این انگاره باید گفت: الف) در این که نهاد تقیّه در فقه امامیه وجود دارد و بخشی از معارف مکتب شیعه به شمار می‌رود، بحثی نیست، ولی آیا حضور این نهاد اختصاص به شیعه و رجال این مکتب دارد یا نهادی عقلی و عقلایی است که همه نظام‌های معرفتی و حقوقی آن را - هرچند با عناوین مختلف - پذیرفته‌اند؟ تقیّه به این معنا است که هرگاه فرد (یا جریانی) به ناحق مورد تعرّض قرار گرفت، به گونه‌ای که متجاوز قصد تجاوز به حقوق مسلم آن فرد (یا جریان) را دارد، فرد (و جریان) مورد تجاوز می‌تواند از تاکتیک مناسب استفاده کند و خود را از تعرض نابحق برهاند. البته این تاکتیک مورد استفاده، نباید مصداق ظلم و تجاوز به دیگران باشد. برای مثال: هرگاه سربازی در حال جنگ به اسارت نیروهای دشمن درآید و برای دادن اطلاعات، تحت فشار قرارگیرد، بر او لازم است از تاکتیک لازم - در صورت امکان - بهره برد و اسرار کشور و ارتش خود را نگه دارد و در صورت تهدید و اضطراب، گراهای ناصحیح به دشمن دهد، البته نباید در این گرادادن، خون بیگناهی را در معرض تهدید قرار دهد و این کار، مصداقی از تقیّه است. مثال دیگر زمانی است که خود برای جان خویش، ناچار به کفر گویی می‌شود، در این صورت کفرگفتن، مصداق روشن تقیه است، چنان‌که آیه ۱۰۶ از سوره نحل، در همین پیوند، نازل شده است.

با این توضیح، چگونه می‌توان به بهانه حضور نهاد تقیه در مکتب شیعه، فتاوی فقیهان ایشان را مورد بی‌مهری قرار داد و اعتماد را از آنها زدود؟

نباید فراموش کرد که شیعه در طول تاریخ، عموماً تحت فشار حکومت‌ها و جریان‌های غیراسلامی و غیرشیعی بوده است. فشاری که او را از ابتدایی‌ترین و مسلم‌ترین حقوق محروم می‌کرد، از این‌رو ناچار بود در تلاش برای بقای خود و رسیدن به حدی از حقوق خویش از نهاد تقیه استفاده کند و فقیهان خردمند شیعه نیز به ضرورت، فتوا به جواز آن می‌دادند، کاری که از هر عاقلی جز این انتظار نمی‌رود. البته این زمینه در فتوا به تحریم کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی وجود ندارد.

ب) در حکم صادر از تقیه، هیچ‌گاه اسناد شرعی از قرآن و روایت حضور ندارد والا

حکم تقيه‌ای نخواهد بود و فقیهی که حکمی را بر اساس تقيه صادر می‌کند، به آیه یا روایتی تمسک نمی‌کند (نمی‌تواند تمسک کند چون آیه و روایتی بر وفاق فتوای او وجود ندارد) و تنها دلیل او تقيه خواهد بود که البته اصل تقيه در قرآن نیز وجود دارد (ر.ک: آل عمران: ۲۸). این در حالی است که در مسئله مورد گفتگو - به طور خاص و عام، آیات و روایاتی وجود دارد که برخی از آنها مورد اشاره قرار گرفت و رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز به آنها اشاره کرده است. برای مثال آنجا که می‌فرماید: «بر طبق مبانی اعتقادی و دینی ما، به‌کاربردن این گونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع و حرام است. این ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده است». به طور روشن به آیه ۲۰۵ از سوره بقره اشاره دارد که می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ».*

ج) نظریه اینکه تولید سلاح‌های غیرمتعارف، نیاز به فعالیت‌های گسترده علمی و غیرعلمی دارد اعمال تقيه در مورد آن نا میسر است.

۴. پاسخ پرسش چهارم (گستره اندیشه حرمت)

پوشیده نیست که گستره یک فتوا، تابع دلالت اسنادی است که فتوا به آن مستند است، فتوا به تحریم تولید و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف هم، از این قاعده مستثنا نیست. اسناد فتوای مزبور هم در پاسخ به پرسش دوم مورد اشاره قرار گرفت. دلالت این اسناد به گونه‌ای است که نه اختصاص به مسلمانان و دارالاسلام دارد و نه موقت و مختص به زمان خاصی است. فتوای مزبور به ادله‌ای که بر حرمت و قبح ظلم، فتنه و افساد در زمین دلالت داشت، مستند بود و پرواضح است که حرمت و قبح این امور، هیچ قیدی را نمی‌شناسد. شعار فقیهان شیعه بلکه هر مسلمانی این پیام ماندگار از امیر حکمت و معرفت و عدالت علی بن ابیطالب علیه السلام، به استنادار خود در مصر، مالک اشتر است که می‌فرماید:

... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أُخِ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَّلَ وَتَعْرِضُ

* به ترجمه این آیه قبلاً اشاره شد.

لَهُمُ الْعِلْلَ وَ يُؤْتَى عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَأِ فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَفْوِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفَحِهِ ... مردم تحت فرمان تو دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش مانند تو هستند که گرفتار لغزش می‌شوند و اموری به عمد یا خطا از ایشان صادر می‌شود با بخشش و گذشت، آنان را عفو کن همان که دوست داری خداوند تو را از بخشش و گذشت خویش بهره‌مند سازد (نهج البلاغه (ترجمه فیض الاسلام)، [بی تا]، نامه ۵۳، ص ۹۳۳).

چنین گفتگو و گفتمانی، ستم و فتنه را در حق هیچ انسانی بلکه هیچ جاندار و موجودی نمی‌پذیرد.

۵. پاسخ پرسش پنجم (اقتضائات فتوای تحریم و عضویت در N.P.T)

در ارتباط با تولید و کاربست سلاح‌های کشتار جمعی، جمهوری اسلامی ایران با دو پدیده مواجه است. از یک سو فتوای رهبری آن است که تولید و کاربست این سلاح‌ها را حرام می‌داند، و از دیگر سو، به همه معاهدات منع سلاح‌های تخریب و کشتار جمعی نیز متعهد است. از جمله، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای N.P.T، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای (C.T.B.T)، کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک (B.W.C) و کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی (C.W.C).

هر کدام از این دو پدیده، مستقلاً می‌تواند مانع اقدام جمهوری اسلامی ایران به تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی باشد؛ چرا که به دلیل صدور فتوای مزبور از اسناد، اصول و مبانی دین اسلام و حاکمیت اسلام در این سرزمین، مخالفت با آن گناه و جرم به حساب می‌آید و قابل تعقیب کیفری است. ضمن این که فتوای رهبری در مسائل اجتماعی و کلان، مانند حکم حکومتی، در نقش قانون ظاهر می‌شود و قانون به‌ویژه وقتی تجسم یک فتوا باشد، با اعتقاد شهروندان ارتباط پیدا می‌کند و به اندازه کافی ضمانت اجرا دارد. و چنان‌چه اجرای آن از سوی حاکمیت باشد، عینیت یافتن مفاد آن در خارج، قطعی است. در این باره اظهار نظر آقای اردوغان، نخست وزیر ترکیه، شنیدنی است. وی براساس دیداری که در فروردین

۱۳۹۱ با آیت‌الله خامنه‌ای داشت، از ایشان شنید که ایران قصد ساخت سلاح هسته‌ای ندارد، در دیدار با وزیر خارجه آمریکا گفت: فتوای رهبر ایران درباره حرام بودن سلاح هسته‌ای را باید باور کرد؛ چرا که از سوی ولی فقیه صادر شده و چنین حکم‌هایی، چون و چرا بردار نیست.*

افزون بر ویژگی فوق، فتوا قابل تغییر و عدول حتی از سوی خود صاحب فتوا نیست، مگر این که صاحب فتوا به اشتباه فتوای خود پی ببرد. فرضی که در مسئله مورد گفتگو به دلیل وضوح آن قابل تصور نیست.

اصدار فتوا و اجرای آن یک وظیفه الهی به حساب می‌آید و این گونه نیست که بتوان در مورد آن معامله کرد و بده و بستانی صورت داد. در اصدار فتوا و عمل به آن، نه امتیازی به شخص یا نهادی داده می‌شود و نه از او امتیازی گرفته می‌شود. آنچه بیان گردید، اقتضائات و لوازم یک فتوا بود که شامل فتوای مورد گفتگو نیز می‌شود.

از جهت تعهدی که جمهوری اسلامی ایران به ترتیبات بین‌المللی منع سلاح‌های کشتار و تخریب جمعی، به ویژه N.P.T، ترتیبات بین‌المللی و پادمان هسته‌ای دارد (با توجه به تأکید ده‌ها آیه و نص معتبر (ر.ک: سوره بقره: ۱۷۷ / مائده: ۱ / رعد: ۲۰ / روایات در این باره بی‌شمار است)، از اسلام و اقتضای درک عقل و بنای خردمندان مبنی بر لزوم وفا به قراردادهای و تعهدات)،** نیز ملزم به اجرای مفاد معاهدات مورد تعهد است.

با این همه مقایسه، اقتضائات فتوا با اقتضائات تعهد مورد اشاره به‌ویژه در ان.پی.تی، محقق را به تفاوت‌های اساسی بین این دو می‌رساند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

گفته شده که این فتوا ۱. همیشگی ۲. غیرقابل اختیار و معامله ۳. فرا زمان و

* خبرگزاری جهان نیوز در تاریخ ۱۳۹۱/۱/۱۷، به نقل از روزنامه صباح چاپ ترکیه، این مطلب را منتشر کرده است (See: <http://jahannews.com/vdchi-ni623nzzd.tft2.html>).

** نگارنده به تفصیل در این باره در تحقیق «فقه و حقوق قراردادهای، بررسی ادله عام» سخن گفته است. این تحقیق در آستانه چاپ و نشر قرار دارد.

فرامکان است در حالی که ۱. ماده ۱۰ معاهده گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸ میلادی) اجازه خروج عضو را از معاهده می‌دهد. ۲. معاهده در ابتدا براساس قطعنامه ۲۳۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل موقت بود (از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵)، سپس به طور نامحدود تمدید شد، هر چند بر ابدی بودن آن تصریحی وجود ندارد. ۳. درتعهد مزبور کشورهای عضو، امتیازی می‌دهند و امتیازی می‌گیرند (از امکانات دانش هسته‌ای بهره‌مند می‌شوند).

گرچه نگارنده درصدد ارزیابی ارزشی این دو اقدام (اقدام به فتوا و اقدام به عینیت دادن تعهد مزبور) نیست، لکن نباید فراموش کرد که فرآیند فتوا (در اصدار) و برآیند آن (در عمل)، جز انگیزه الهی و بیان شریعت و کشف و عملی کردن آن در خارج، نیست، در حالی که منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بر مبنای ملاحظات انحصارطلبانه پنج قدرت هسته‌ای موجود در دهه ۱۳۴۰ ه.ش (آمریکا، شوروی، انگلیس، فرانسه و چین) و نگرانی‌های آنها نسبت به خطرات ناشی از شکسته شدن انحصارشان و اشاعه این سلاح‌ها در جهان به وجود آمد.

این معاهده نتیجه سازش میان دیدگاه‌های ناهمگون در حوزه ممنوعیت یا عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است. در این معاهده، به نحوی تبعیض آمیز و آشکار، اعضا به کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و بدون سلاح هسته‌ای تقسیم شده‌اند و دارای تکالیف و حقوق متفاوت می‌باشند. این رویه، اگرچه به درستی و منطقاً، دستیابی به سلاح هسته‌ای را برای اعضای بدون سلاح هسته‌ای ممنوع ساخته و ساز و کار و برنامه مشخصی برای تحقق آن ارائه نموده، لیکن به شکلی متناقض، نه تنها تملک سلاح‌های هسته‌ای توسط کشورهای دارای آن را به رسمیت شناخته؛ بلکه هیچ‌گونه ساز و کار و برنامه مشخصی برای تحقق خلع سلاح هسته‌ای تعیین نکرده است.

برابر ماده یک معاهده، هریک از دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می‌نمایند که «از انتقال مستقیم و غیرمستقیم سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای به هر دریافت کننده‌ای به هر صورت خودداری نمایند». متقابلاً، هر یک از دولت‌های عضو بدون سلاح هسته‌ای، برابر ماده دو معاهده، متعهد شده‌اند «از قبول مستقیم و غیرمستقیم سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات

انفجاری یا کنترل بر این سلاح‌ها یا ادوات انفجاری هسته‌ای از هر انتقال دهنده‌ای خودداری نمایند».

نبود یک باور الاهی و دینی در ارتباط با همه تعهدات و ترتیبات بین‌المللی مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی، باعث گردید که با گذشت بیش از ۴۰ سال از لازم‌الاجرا شدن قرارداد منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی)، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در بعد خلع سلاح هسته‌ای رخ ندهد. علاوه بر این، در گذر دهه‌های اخیر، چندین دولت غیرعضو ان پی تی، به سلاح‌های هسته‌ای دست یافته‌اند و این پدیده، فوق‌العاده نگران‌کننده است، لیکن، نگران‌کننده‌تر اینکه، این وقایع وحشتناک با برخورد جدی و پیگیر اعضای قدرتمند قرارداد منع اشاعه به‌ویژه پنج عضو دارای سلاح هسته‌ای روبرو نگردیده است (ر.ک: شهابی سیرجانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

انجام مقاله با بیان چند نکته کوتاه به سامان می‌شود:

۱. با وجود فتوای ماندگار، ارزشمند و مؤثری از قبیل آنچه گذشت و تعهداتی خردمندانه و ترتیبات بین‌المللی پادمان سلاح‌های کشتار جمعی، هدف نهفته در ورای این فتواها و معاهدات به طور کامل تحقق نمی‌یابد جز اینکه، همه کشورها به قرار خلع سلاح و شعار «انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای (و کشتار جمعی) برای هیچ‌کس»، برسند و در عمل آن را عینیت بخشند. وگرنه گاه در میدان جنگ، و شعله‌ور شدن آتش فتنه و حاکمیت یافتن احساسات بر تدابیر خردمندانه، دیگر نه فتوا کارایی لازم را دارد و نه تعهد ثمری به بار می‌آورد. و البته مسئولیت هر جنایت، ناهنجار و نابسامانی، متوجه کسانی است که جهان را دو قطب می‌بینند و تبعیض از گفتگو و گفتمان آنها رخت بر نمی‌بندد.

۲. هرگز نباید منبع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای را به معنای منع دانش هسته‌ای دانست. واقع این است که، هر مقدار خلق سلاح‌های مزبور به ضرر بشریت و ننگی بر دامن او بوده و هست، به همان میزان دانش هسته‌ای یک افتخار و ضرورت برای بشریت است و اقدام در راستای هدف دوم را نباید به حساب اول گذاشت، چنان‌که نباید حرکتی در راستای تأمین هدف اول با عنوان تلاش در رسیدن به هدف دوم صورت پذیرد.

۳. همان‌گونه که مطابق اسناد معتبر دینی تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های کشتار جمعی حرام شرعی است، به اقتضای همان اسناد، محو و از بین بردن این سلاح‌ها، لازم و واجب شرعی است.

نتیجه

۱. مطابق اسناد ملفوظ از قرآن، سنت معصوم، درک عقل و مقاصد شریعت، تولید، انباشت و به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف ممنوع است.
۲. این منع، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام در نصوص و عمری هزار ساله در متون فقهی دارد.
۳. هیچ نصی معتبر، دال بر جواز تولید، انباشت و کاربست سلاح‌های غیرمتعارف موجود نیست. تنها برخی گمانه‌زنی‌های غیرمنضبط، در این پیوند وجود دارد که قابل اتکا در فقه نیست.
۴. آنچه رهبر انقلاب اسلامی ایران در این‌باره فرموده یک فتوا است و کسی مجاز به تخلف از آن نیست. این نظر براساس اسناد معتبر صادر شده و هیچ مصلحت‌اندیشی غیرمنضبط یا تقیه در صدور آن دخالت نداشته است.
۵. دامنه حرمت مورد اشاره در شماره چهارم، این حکم جهانی و جاودان است و اختصاص به زمان خاص یا دارالاسلام ندارد.
۶. جمهوری اسلامی ایران از دو جهت پایبند به پرهیز از تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف است. از جهت فتوای رهبری آن و از جهت تعهدی که در NPT و سایر ترتیبات بین‌المللی دارد.
۷. اقتضائات فتوا با تعهد به ترتیبات بین‌المللی، از جمله معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای متفاوت و اقتضائات فتوا به مراتب قوی‌تر است، هر چند وفای به عهده و پیمان نیز در اسلام مورد سفارش اکید قرار گرفته است.

منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه (ترجمه، فیض الاسلام)، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۱. ابن زهره، حمزه بن علی؛ غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع؛ ج ۱، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
 ۲. تقی زاده، محمود؛ رجال همراه؛ ج ۱، تهران: انتشارات زهد، ۱۳۸۹.
 ۳. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۳، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
 ۴. حلی، جعفر بن الحسن؛ المختصر النافع فی فقه الامامیه؛ قم: کتاب فروشی مصطفوی، [بی تا].
 ۵. حلی، محمد بن ادریس؛ کتاب السرائر؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
 ۶. خویی، سید ابوالقاسم؛ منهاج الصالحین؛ قم: مدینه العلم، ج ۲۸، ۱۴۱۰ق.
 ۷. شهابی سیرجانی، فرهاد؛ مقاله «فتاوی منع سلاح های تخریب جمعی: سرچشمه، اهمیت و تأثیرات»، ارائه شده به همایش ملی فقه هسته ای در ایران، قم، ۱/۱۲/۱۳۹۲.
 ۸. طوسی، محمد بن الحسن؛ النهایة- فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ ج ۱، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ق.
 ۹. مکی عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن علی؛ الدروس الشرعیة- فی فقه الامامیه؛ ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
 ۱۰. علیدوست، ابوالقاسم؛ فقه و مصلحت؛ ج ۱، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
 ۱۱. کرکی (محقق ثانی)، علی بن الحسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۱، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
 ۱۲. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ ج ۲۱، چ ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ق.